

واکاوی و نقد ترجمه آیات کلامی

(مطالعه موردی: خطاب‌های عتاب‌گونه به پیامبر اکرم (ص) در قرآن کریم)

علی حاجی‌خانی^{*۱}، عبدالله میراحمدی^۲

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۶

دریافت: ۹۴/۱۱/۴

چکیده

در برخی آیات کلامی قرآن کریم، تعبیری وجود دارد که در آن‌ها خداوند متعال با لحنی عتاب‌آمیز و هشدارگونه، پیامبر اکرم (ص) را مورد خطاب قرار داده است. از برجسته‌ترین گونه‌های این عتاب‌ها می‌توان به نهی از شرک، امر به طلب بخشش از خداوند، نهی از شک، نهی از پیروی خواسته‌های اهل کتاب، تذکر به، تقدّم ترس از خدا بر ترس از مردم، تأکید بر حفظ الهی و عتاب بر تحریم حلال الهی اشاره کرد. از آن‌جا که برگرداندن چنین تعبیری به زبان فارسی یا هر زبان دیگری ممکن است شائبه عدم عصمت پیامبر اکرم (ص) را در ذهن خواننده ایجاد و تقویت کند؛ لذا ترجمه این دسته آیات از جایگاه حساس و خطیری برخوردار بوده و مسئولیت مترجم آن را دو چندان می‌سازد؛ چرا که انتقال صحیح محتوای این گونه آیات، افزون بر حفظ ساختارهای دستوری و بلاغی و نیز همسانی تأثیر متن مبدأ و مقصد بر مخاطبان، توجه و اشراف ویژه مترجم را به مبانی کلامی طلب می‌کند. این جستار بر آن است ضمن بهره‌گیری از آرای مفسران و محققان قرآنی و با تکیه بر پیش‌فرض‌های کلامی، برخی از مهم‌ترین ترجمه‌های این آیات را مورد بررسی و نقد قرار داده، تا در این رهگذر، پس از بیان ضعف و قوت‌های احتمالی این ترجمه‌ها و ارزیابی روش‌های گوناگون به‌کار گرفته شده در آن‌ها، اعم از لفظی، وفادار، آزاد و تفسیری به معرفی موفق‌ترین روش در تطبیق مراد واقعی این دسته از آیات مبادرت ورزد.

واژه‌های کلیدی: نقد ترجمه قرآن، عصمت پیامبر (ص)، خطاب‌های عتاب‌گونه قرآن

۱- مقدمه

عصمت انبیای الهی - به‌ویژه خاتم پیامبران - از گناه و خطا، به‌طور اجمال، مورد پذیرش تمام متکلمان مسلمان است. با وجود این، اختلاف‌هایی میان فرقه‌های مهم در زمینه محدوده عصمت پیامبران مشاهده می‌شود. چنان‌که مطابق اعتقاد مشهور اشاعره، پیامبران از انجام گناهان کبیره، به‌طور مطلق و نیز گناهان صغیره‌ای که پست هستند، اما به‌صورت سهو انجام می‌گیرد و گناهان صغیره عمدی، معصوم هستند. هر چند در مورد گناهان صغیره‌ای که پست نیستند، اجماع بر عدم عصمت دارند (تفتازانی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۵۰؛ یوسفیان و شریفی، ۱۳۷۷: ۱۸۱). معتزله نیز عصمت پیامبران را اندکی گسترده‌تر از اشاعره دانسته و گناهان کبیره را به‌طور مطلق، چه پیش از بعثت و چه پس از آن، خواه به‌طور عمدی و خواه به‌طور سهوی، جایز نمی‌دانند. هر چند در جواز گناهان صغیره غیر نفرت‌آور، میان آن‌ها اختلاف است (همدانی، ۱۴۲۲: ۳۸۷؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳، ج ۷: ۷). در مقابل، امامیه، قائل بر عصمت مطلق و همه جانبه پیامبران در همه امور هستند (شیخ مفید، ۱۳۷۱: ۳۰).

یکی از مباحث کلامی موجود در قرآن کریم که از دیرباز ذهن مفسران شیعه و اهل سنت را به خود مشغول کرده است، وجوه خطاب‌های عتاب‌آمیز و نکوهش‌گونه خداوند به پیامبر اکرم (ص) است. چنان‌که در ۶۴ آیه به‌صورت مستقیم و در ۴۳ آیه به‌صورت غیرمستقیم پیامبر (ص) مورد خطاب قرار گرفته است. با توجه به رابطه مستقیم این موضوع با محدوده عصمت پیامبر (ص)، مفسران و محققان قرآن‌پژوه، هم‌چون متکلمان، به تبیین آیات موجود در این زمینه پرداخته‌اند. افرادی هم‌چون فخررازی و آلوسی با اعتقاد اشعری؛ زمخشری با نگاه اعتزالی؛ شیخ طوسی، سیدمرتضی و علامه طباطبایی نیز با باور امامی، به تفسیر آیات فوق اهتمام ورزیده‌اند.

در این میان توجه مترجمان فارسی زبان قرآن کریم نیز در ترجمه آیات عتاب‌گونه به پیامبر (ص) بی‌شبهت به مفسران نیست. با وجود استفاده همگانی از ترجمه قرآن و تخصص نداشتن مخاطبان آن به‌صورت نسبی، بر مترجم قرآن لازم است، با مهارت و

دقتی خاص به ترجمه این گونه آیات بپردازد؛ تا ابهام عارضی آن‌ها را برطرف کند. هرچند در این میان ترجمه‌های محدودی، به انتقال دقیق پیام و محتوای این آیات همت گماشته‌اند. ترجمه‌های تحت‌اللفظی؛ وفادار و معنایی با اختلاف‌های موجود میان آن‌ها، به جهت پابندی فراوان به انتقال معنای الفاظ و ساختارهای دستوری متن مبدأ به زبان مقصد، هرگز در ترجمه آیات عتاب‌گونه به پیامبر (ص) که ممکن است ظاهر آن‌ها موجب لغزش مخاطب شود، موفق نبوده‌اند؛ چرا که رسالت این‌گونه ترجمه‌ها انتقال کاوش‌های تفسیری در خصوص عصمت انبیا نیست. در ترجمه‌های آزاد نیز هر چند به مبانی کلامی و زبان معیار توجه شده است؛ اما به جهت مقید نبودن مترجم به ساختارهای متن مبدأ و تمرکز بر انتقال پیام، شامل آسیب‌هایی چون حذف و اضافه لفظی و معنوی؛ کاهش رتبه تأثیرگذاری بر مخاطب و در مواردی نیز برداشت‌های شخصی است. ترجمه‌های تفسیری به جهت توجه به مبانی کلامی قرآن؛ بازسازی فضای آیات؛ انتقال نسبی متن قرآن به زبان معیار متن مقصد؛ ذکر برداشت‌های تفسیری در پراکنش یا قلاب، مناسب‌ترین نوع ترجمه در موضوع مورد بررسی است (ر.ک: جواهری، ۱۳۸۹: ۴۵-۶۱). هرچند میزان موفقیت مترجمان در این نوع ترجمه نیز با آسیب‌هایی همراه است که بدان‌ها اشاره خواهیم کرد.

از آن‌جا که در پژوهش حاضر به بررسی و نقد پیش‌فرض‌های کلامی مهم‌ترین مترجمان قرآن می‌پردازیم، به جهت رعایت حجم مطالب، تنها به فهرستی از شبهه‌انگیزترین آیات در این زمینه که به صورت مستقیم پیامبر اکرم (ص) را مورد خطاب قرار داده است، اشاره می‌کنیم؛ در ادامه ارزیابی مختصری از تفاسیر را ارائه نموده تا ما را در نقد هر چه بهتر فضای کلامی ترجمه‌ها یاری رساند. در زمینه پیشینه تحقیق نیز، باید یادآور شد که پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون خطاب‌های عتاب‌آمیز، همگی با تمرکز بر تفاسیر و همسو با هدف محققان گردآوری شده و رویکرد مترجمان مورد توجه نبوده است. مهم‌ترین تحقیق‌ها در این زمینه عبارتند از:

۱- مقاله «جستاری در خطاب‌های عتاب‌آمیز خداوند به پیامبر (ص)» از مهین شریفی اصفهانی. این پژوهش به صورت فهرست‌وار به تلاش مفسران، پیرامون خطاب‌های عتاب‌آمیز اشاره کرده است. در ادامه نیز رویکرد اهل تفسیر در تبیین پنج آیه مهم در این رابطه، مورد توجه قرار گرفته و در پایان نیز حکمت این خطاب‌ها از نظر قرآن‌پژوهان مطرح شده است (ر.ک: شریفی اصفهانی، ۱۳۸۱).

۲- مقاله «پژوهشی در خطاب‌های خداوند به پیامبر در قرآن» از مهین شریفی اصفهانی. در این تحقیق به صورت فهرست‌وار به شمارش گونه‌های خطاب‌ها با محوریت دیدگاه قرآن‌پژوهان اشاره شده است (همان: ۱۳۸۷).

۳- مقاله «خطاب‌های الهی به پیامبر (ص) در نهی از شک» از زینب براتی. در این مقاله رویکرد مفسران پیرامون هفت دسته از آیات، مورد توجه قرار گرفته است (براتی، ۱۳۹۰).

۲- گونه‌های خطاب‌های عتاب‌آمیز

۲-۱- نهی از شرک

آیات نهی‌کننده پیامبر اکرم (ص) از شرک به دو نوع دسته بندی می‌شوند:

دسته اول: آیاتی که مخاطب آن عموم انسان‌ها از جمله پیامبر (ص) است (ر.ک: اسراء/

۲۲ و ۳۹؛ شعراء/ ۲۱۳؛ یونس/ ۱۰۶؛ قصص/ ۸۸)

دسته دوم: آیاتی که مخاطب آن، به صورت خاص، شخص پیامبر (ص) است. برخی از مفسران حکم آیات دسته نخست و مراد از خطاب آن‌ها را نوع انسان‌ها دانسته‌اند (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۰: ۳۲۰). برخی نیز امت اسلامی را مخاطب این آیات می‌دانند (طوسی، بی تا، ج ۶: ۴۶۴). از میان آیات دسته دوم آیه ۶۵ سوره زمر شبیه بیشتری در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که به بررسی آن می‌پردازیم.

﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (زمر/ ۶۵)

ارزیابی تفسیری

نگاه مفسران و محققان در تبیین خطاب آیه یکسان نبوده است. هر چند برخی از آنان ضمن اشاره به جنبه بشری رسول اکرم (ص) خطاب را متوجه ایشان می‌دانند (طوسی، بی‌تا، ج ۹: ۴۳؛ سبحانی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۱۴). اما سایر مفسران به نحوی در صدد زدودن ابهام موجود برآمده‌اند. چنان‌که پاره‌ای، مخاطب حقیقی را مسلمانان دانسته و آیه را از باب «ایاک اعنی و اسمعی یا جاره» می‌دانند. این قاعده که معادل ضرب المثل فارسی «به در می‌گویم تا دیوار بشنود» است، در بیان اهل بیت (علیهم السلام) نیز مطرح شده است؛ امام صادق (ع) می‌فرماید: «نَزَلَ الْقُرْآنُ بِإِيَّاكَ أَغْنِي وَ اِسْمَعِي يَا جَارَةً» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۳۱؛ معرفت، ۱۳۷۴: ۱۸۸). عده‌ای نیز با توجه به شرطی بودن آیه، به مسئله فرضی بودن کلام و عدم تحقق آن اشاره کرده‌اند (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷: ۴۷۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۲: ۲۷۸)؛ چرا که پروردگار با وجود آگاهی به شرک نورزیدن پیامبر (ص)، ایشان را تشویق کرد تا بر اخلاص و تقوایش بیفزاید (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۳۳۹). طبرسی نیز با توجه به عصمت پیامبر (ص)، خطاب را تأدیبی نسبت به ایشان و تهدیدی برای دیگران می‌داند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۷۹۰)

ترجمه‌ها

اگر شرک ورزی هر آینه تباه شود کردارت و همانا شوی از زیانکاران. (معزی)
اگر شرک ورزی حتماً کردارت تباه و مسلماً از زیانکاران خواهی شد. (فولادوند)
اگر مشرک شوی، تمام اعمال تباه می‌شود و از زیانکاران خواهی بود! (مکارم شیرازی)
اگر برای (خدا) شریک بگیری البته عمل تو تباه گردد و از زیانکاران شوی. (رهنما)
اگر برای [خدا] انباز بگیری عمل تو [و ایشان] تباه گردد و البته از زیانکاران شوی. (حلبی)

اگر (به فرض محال) شرک آری بی گمان تباه شود کردار تو و به طور قطع باشی از زیانکاران. (سراج)

اگر برای خداوند شریکی قرار بدهید هر آینه باطل و محو گردد عمل تو، و باشی از زیانکاران. (مصطفوی)

(هنوز مشرکان جاهل از تو موحد کامل طمع شرک دارند؟) ... اگر به خدا شرک آوری عملت محو و نابود می‌گردد و سخت از زیانکاران خواهی گردیدی. (الهی قمشه‌ای) (پس از آن برای طمع و آز نداشتن مشرکین به درخواستشان از پیغمبر اکرم آن حضرت را تهدید نموده و ترسانده می‌فرماید: ای محمد (ص) ... اگر به خدای تعالی شرک آورده و برای او انبازگیری، هر آینه عمل و کردارت باطل و تباه می‌شود، و البته از زیانکاران می‌باشی. (فیض الاسلام)

ارزیابی ترجمه‌ها

از میان ترجمه‌های فوق، ترجمه معزی، فولادوند و مکارم به یک شیوه - بدون آن‌که ابهام موجود را در ذهن مخاطب بزایند - به ترجمه آیه پرداخته‌اند. جز آن‌که فولادوند به شکل معنایی، در مقابل مکارم به نحو وفادار آیه را ترجمه کرده‌اند.

در ترجمه رهنما و مصطفوی برای زدودن شرک از ساحت پیامبر اکرم (ص)، ضمیر ﴿لَئِنْ أَشْرَكْتَ﴾ به نوع انسان ارجاع داده شده است. با مراجعه به سیاق آیات سوره زمر و همچنین تفاسیر موجود، روشن می‌شود که چنین ترجمه‌ای ناصحیح و خلاف ظاهر آیه است. افزون بر این، اختلاف ضمیرها در دو ترجمه خلاف اسلوب زبان مقصد است. از همه مهم‌تر، شرک دیگران منجر به حبط عمل و خسران پیامبر (ص) نخواهد بود و این خلاف قواعد عقلی و قرآن کریم است. چنان‌که در آیات متعددی چنین آمده است: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ (ر.ک: انعام / ۱۶۴؛ اسراء / ۱۵؛ فاطر / ۱۸؛ زمر / ۷).

در ترجمه حلبی نیز هرچند مخاطب شرک، رسول اکرم (ص) بیان شده است؛ اما در ادامه اشتباهی فاحش رخ داده است، چرا که حبط عمل و خسران که نتیجه شرک هستند، به صورت جمع معنا شده است. در حالی که اگر به فرض محال، مخاطب شرک شخص پیامبر (ص) باشد حبط عمل و خسران متوجه وی خواهد بود نه دیگران.

ترجمه سراج نیز با وجود آن‌که تا حدودی ابهام موجود را برطرف نموده است؛ اما به با توجه به قاعده منطقی و عقلایی که: طرح فرض محال، محال نیست؛ در عبارت «اگر

(به فرض محال) شرک آری» هنوز احتمال وجود شرک از ساحت رسول اکرم (ص) را می‌توان برداشت کرد.

ترجمه برگزیده:

با توجه به نکات تفسیری پیشین در مراد پروردگار از تهدید پیامبر (ص) می‌توان ترجمه الهی‌قمشه‌ای و فیض‌الاسلام را صحیح دانست و توضیح آن‌ها را مطابق با تفاسیر قرآن دانست. هرچند در ترجمه الهی‌قمشه‌ای، تعادل ترجمه و انسجام مطالب و زبان معیار بهتر رعایت شده است.

۲-۲- امر به طلب بخشش و مغفرت از خداوند

در شماری از آیات قرآن که به ظاهر از نافرمانی پیامبر (ص) خبر می‌دهند، خداوند با الفاظی چون «استغفر» (نساء/ ۱۰۶؛ غافر/ ۵۵؛ محمد/ ۱۹؛ نصر/ ۳)، «غفر» (فتح/ ۲)، «تاب» (توبه/ ۱۱۷) و «عفو» (توبه/ ۴۳) رسول اکرم (ص) را به طلب آمرزش دستور می‌دهد. تبیین صحیح این آیات علاوه بر آگاهی از شأن نزول آن‌ها، دقت نظر در پیش‌فرض‌های کلامی موجود در زمینه عصمت را می‌طلبد. در این بخش به مهم‌ترین آیاتی که در آن‌ها خداوند پیامبر (ص) را به طلب بخشش امر کرده است، اشاره می‌کنیم.

الف) ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرْتكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنَ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا * وَاسْتَغْفِرِ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (نساء/ ۱۰۵-۱۰۶)

ارزیابی تفسیری

مطابق شأن نزول این آیات، زره فردی از صحابه پیامبر (ص) به سرقت رفت صاحب آن به یک نفر از طائفه «بنی ابیرق» - به نام طعمه - مظنون شد. سارق وقتی متوجه خطر شد، زره را به خانه یک نفر یهودی انداخت و از قبیله خود خواست که نزد پیامبر (ص) بر پاکی او گواهی دهند و وجود زره را در خانه یهودی گواه بر براءت او گیرند در این شرایط سارق

تبرئه شد و یهودی متهم گردید و یا پیامبر قصد کرد که سارق را تبرئه کند و یهودی را مجازات نماید که این آیه نازل شد (ر.ک: تفاسیر، ذیل آیات ۱۰۳ تا ۱۰۷ سوره نساء).

اکثر مفسران وقوع جریان فوق را پذیرفته‌اند ولی در حمایت پیامبر (ص) از شخص خائن پیش از صدور حکم، اختلاف کرده‌اند. گروهی دستور به استغفار را به دلیل تصمیم آن حضرت در دفاع از خائن دانسته‌اند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ۱۳۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۶۲) در مقابل، برخی نهی مطرح شده را دلیل بر وقوع «منه‌ی عنه» نمی‌دانند؛ چرا که مطابق روایات، پیامبر (ص) در مسئله توقف کرد و منتظر وحی ماند. هدف وحی نیز آگاهی حضرت از دروغ‌گو بودن طعمه و بی‌گناهی شخص یهودی بود (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱: ۲۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷: ۳۸-۳۹). عده‌ای نیز با آحاد دانستن روایات موجود، مراد از خطاب را امت پیامبر (ص) می‌دانند (طوسی، بی‌تا، ج ۳: ۳۱۶).

علامه طباطبایی با رد کردن باور گروهی در تصمیم پیامبر (ص) در دفاع از شخص خائن چنین می‌نویسد: «این پندار که رسول خدا (ص) در دل بنا گذاشته بود تا از آن خائن علیه مرد یهودی طرفداری کند پنداری باطل است ... معنای استغفار در این آیه طلب آمرزش گناهانی که از آن جناب سرزده باشد نیست؛ زیرا آن حضرت معصوم از گناه است؛ بلکه معنایش جلوگیری از امکانی است که خائنان خواستار آن بودند و معنای آیه این است که: «ای پیامبر طرفدار خائنان مباش و به سوی آنان تمایل نکن و از خدا بخواه که تو را در امر سفارشاتش موفق بدارد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵: ۷۳-۷۴)

ترجمه‌ها

و از خدا آمرزش بخواه ... (فولادوند)
و از خداوند، طلب آمرزش نما! ... (مکارم شیرازی)
و از خداوند (برای میل به تبرئه مسلمان به گمان براثت او) آمرزش بخواه ... (مشکینی)
یا محمد! از این که قصد نمودی به یهودی بی‌گناه عقاب کنی، از خداوند تعالی طلب مغفرت کن ... (نوبری)

(یا محمد صلی الله علیه و آله) (برای آنچه از شئون بشری بر تو عارض می‌گردد و به کسی که لحن حجّت و برهانش بهتر است میل کنی یا به مسلمانی برای اسلامش تمایل بیشتر نشان دهی هر چند اینها گناه نیست ولی به صورت گناه ظاهر می‌شود) استغفار کن ... (خسروی)

و (از مساعدت و کمک به نادرست‌کاران که در دل تو رخ داد) از خدا آمرزش بخواه ... (فیض‌الاسلام)

ارزیابی ترجمه‌ها

از میان ترجمه‌های فوق، فولادوند و مکارم بدون رفع شبهه موجود، به ترجمه آیه پرداخته‌اند. در حالی که سایر مترجمان با توجه به شأن نزول موجود در تفاسیر، آیه را ترجمه کرده‌اند.

با توجه به مطالب ارائه شده، ترجمه نوبری و فیض‌الاسلام هر چند به شأن نزول آیه ولو به اختصار اشاره کرده‌اند؛ این ابهام را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که پیامبر (ص) در ضمیر خویش قصد طرفداری از مسلمان خائن در مقابل با مرد یهودی را داشته است. در حالی که چنین مطلبی مخالف با ساحت گرامی رسول خدا (ص) است.

در ترجمه خسروی نیز با وجود اشاره به شأن نزول آیه چند اشکال عمده وجود دارد: گرایش پیامبر (ص) به مسلمان خائن علیه شخص یهودی؛ احتمال خطا در احوال بشری و دنیوی پیامبر؛ گناه ندانستن پیش داور در قضاوت.

ترجمه برگزیده:

ترجمه مرحوم مشکینی کاملاً مطابق با سیاق آیات و تفسیر ارائه شده از علامه طباطبایی و همچنین مبانی کلامی است. در این ترجمه، عدم تمایل قلبی پیامبر اکرم (ص) به مسلمان خائن را که شواهد را در بی‌گناهی خویش فراهم آورده، نشان می‌دهد.

ب) ﴿عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَّ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ تَعَلَّمَ الْكَافِرِينَ﴾ (توبه / ۴۳)

ارزیابی تفسیری

مفسران و محققان جدای از شأن نزول آیه، به تبیین دقیق جمله‌های ﴿عَفَا اللَّهُ عَنْكَ﴾ و ﴿لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ﴾ که به ترتیب دلالت بر ارتکاب معصیت و ظهور در عقاب دارند، پرداخته‌اند و به این وسیله عتاب موجود را از ساحت پیامبر (ص) زدوده‌اند. چنان‌که سیدمرتضی بر این باور است که عبارت ﴿عَفَا اللَّهُ عَنْكَ﴾ به صدور گناه اشاره‌ای ندارد؛ بلکه برای بزرگداشت و نرمی خطاب هم استفاده می‌شود؛ مانند عبارت «أرأیت رحمک الله و غفرالله لک» که ما هنگام خطاب بدون این‌که قصد توبیخ و تنبیهی داشته باشیم می‌گوییم ... جمله ﴿لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ﴾ نیز مخصوص عقاب نیست؛ چرا که ظهور در استفهام دارد و مراد از آن استخراج ذکر علت اذن دادن از جانب پیغمبر است و ضروری نیست که وجوباً و حتماً حمل بر عقاب شود (سیدمرتضی، بی‌تا: ۱۶۰).

در نگاه علامه طباطبایی نیز خطاب فوق، از باب «ایاک اعنی و اسمعی یا جاره» بوده و مراد از آن تصریح دروغ منافقان است. هم‌چنین جمله ﴿عَفَا اللَّهُ عَنْكَ﴾ از قسم انشائیه دعائیه و مانند عبارت فارسی «خدا پدرت را بیامرزد»، است. هم‌چنین با توجه به آیات ۴۲-۴۹ سوره توبه مشخص می‌شود که مصلحت مسلمانان در این بود که این فتنه‌گران در جنگ شرکت نکنند، زیرا باعث ایجاد فساد و تفرقه می‌شدند. بنابراین خطا و گناه متوجه پیامبر (ص) نیست، چرا که عملی بر خلاف امر خدا و یا بر خلاف مصلحت مسلمانان انجام نداده است. عبارت ﴿لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ﴾ نیز به این معنا است که اگر اجازه نمی‌دادی بهتر و زودتر رسوا می‌شدند و این در اصل در مقام ظاهر کردن نفاق و دروغ‌گویی متخلفان است؛ چرا که آنان با کوچک‌ترین امتحانی خود را لو داده و رسوا می‌شدند. در نتیجه آیه فوق، در ظاهر دربردارنده عتاب بوده ولی در باطن مدح لطیفی برای پیغمبر اکرم (ص) است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹: ۲۸۴-۲۸۶).

ترجمه‌ها

خدایت عفو کند. چرا به آنان اذن ماندن دادی؟ می‌بایست آن‌ها که راست می‌گفتند آشکار شوند و تو دروغگویان را هم بشناسی. (آیتی)

خدایت ببخشاید، چرا پیش از آنکه [حال] راستگویان بر تو روشن شود و دروغگویان را بازشناسی، به آنان اجازه دادی؟ (فولادوند)

خداوند تو را بخشید چرا پیش از آنکه راستگویان و دروغگویان را بشناسی، به آن‌ها اجازه دادی؟! (خوب بود صبر می‌کردی، تا هر دو گروه خود را نشان دهند!) (مکارم)

(ای رسول) خدا تو را ببخشاید چرا پیش از آنکه دروغگویان از راستگویان بر تو معلوم شوند به آن‌ها اجازه دادی؟ (بهتر آن بود که رخصت در ترک جهاد ندهی تا آن را که به راستی ایمان آورده از آن که دروغ می‌گوید امتحان کنی). (الهی‌قمشه‌ای)

خدا تو را مورد بخشش و لطف قرار دهد، چرا پیش از آنکه [راستگویی] راستگویان بر تو روشن شود، و دروغگویان را بشناسی [از روی مهر و محبتی که به ایشان داری] به آنان اجازه [ترک جنگ] دادی؟ (انصاریان)

ضمن اشاره به شأن نزول آیه ... خدا تو را عفو نماید و ببخشد (... وظیفه و کار پیغمبر (ص) مداراة است) به آن حضرت خطاب کرده می‌فرماید: چرا ایشان (منافقین) را (برای ماندن در مدینه و نرفتن به جنگ تبوک) اذن و فرمان دادی تا اینکه برای تو هویدا می‌شد آنان را که (در عذر و بهانه آوردن) راست می‌گفتند، و دروغگویان را می‌دانستی (می‌شناختی) (فیض‌الاسلام)

ارزیابی ترجمه‌ها

از میان ترجمه‌های فوق، ترجمه آیتی و فولادوند به یک شیوه و بدون آن‌که ابهام موجود را از ذهن مخاطب بزدايند به ترجمه آیه پرداخته‌اند. جز آن‌که فولادوند عبارت ﴿عَفَا اللَّهُ عَنْكَ﴾ را به صورت دعایی ترجمه کرده اما مترجم دیگر آن را به شکل ماضی ترجمه

کرده‌اند. با توجه به سخن ذکر شده از سیدمرتضی و علامه طباطبایی در می‌یابیم که ترجمه دعایی برای عبارت فوق صحیح‌تر است.

مکارم و الهی‌قمشه‌ای براساس شواهد و قراین تفسیری و شأن نزول موجود، به ترجمه آیه پرداخته‌اند. هر چند ابزار و الفاظ مورد استفاده ایشان قابل نقد است لیکن هر دو مترجم به سیاق آیات و شأن نزول موجود توجه کرده‌اند. با وجود این، این ابهام همچنان در ذهن مخاطب وجود دارد که پیامبر (ص) به جهت عجله در اجازه به متخلفان، خطا نموده و باید استغفار نماید.

ترجمه برگزیده:

در ترجمه انصاریان و فیض‌الاسلام در حالی که به شأن نزول آیه توجه شده است دلیل اجازه پیامبر (ص) به متخلفان را رأفت و رحمت ایشان ذکر نموده و از این طریق شبهه عجله در اذن دادن را برطرف کرده‌اند. هر چند ترجمه انصاریان مورد پذیرش‌تر است و از ضعف‌های ترجمه فیض‌الاسلام هم چون عدم تعادل ترجمه، حذف و اضافه‌های فراوان و برداشت‌های استحسانی، مبرا است.

ج ﴿لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يُؤْتِيَ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾
(فتح / ۲)

ارزیابی تفسیری

مفسران و محققان با عنایت به شأن نزول آیه به معناشناسی واژه «ذنب» و «غفران» پرداخته‌اند. چنان‌که برخی با توجه به سیاق سوره فتح که بر بشارت اشاره دارد؛ «ذنب» را در این جا مصدر دانسته‌اند که به مفعول خویش اضافه شده است و مراد از آن، گناهانی است که مردم نسبت به پیامبر (ص) روا داشتند و نگذاشتند ایشان وارد مکه شود. بنابراین معنای آمرزش این گناه، نسخ احکام دشمنان حضرت یعنی مشرکان است.

چنانچه منظور آمرزش گناهان باشد، تعلق به فتح ندارد، چون ربطی بین فتح و آمرزش گناهان نیست (سیدمرتضی، بی‌تا: ۱۶۴).

علامه طباطبایی نیز مقصود از «ذنب» را آثار و تبعات سوئی می‌داند که دعوت پیامبر (ص) برای کافران و مشرکان در پی داشت. از نظر ایشان، گناه گذشته رسول‌خدا (ص) گناهی است که از نظر کافران وی به‌خاطر آن‌ها مستحق عقوبت است. گناهان آینده نیز کشتن بزرگان قریش پس از هجرت می‌باشد. مغفرت خداوند نسبت به این گناهان عبارت است از پوشاندن آن‌ها به‌وسیله گرفتن قدرت قریش با فتح مکه (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸: ۳۸۰-۳۸۳).

ترجمه‌ها

تا خداوند از گناه گذشته و آینده تو درگذرد ... (فولادوند)
تا خدا گناهان قبلی و بعدی (پیروان) تو را ببخشد ... (کاویان‌پور)
تا خدا آنچه از پیامد (کار) تو مقدم شده و آنچه مؤخر شده را برایت ببامزد ... (رضایی)

تا خدا گناه تو را آنچه پیش از این بوده و آنچه پس از این باشد برای تو ببامزد ... (آیتی)

تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ای را که به تو نسبت می‌دادند ببخشد (و حقانیت تو را ثابت نموده) و ... (مکارم)

تا خدا گناه تو - کارهای ناروایی که مشرکان و دشمنان درباره تو روا داشتند - را، آنچه در گذشته بوده و آنچه اکنون و سپس‌تر باشد، ببامزد - ببوشاند و بزداید - ... (مجتبوی)

بعد از آن خداوند [بر اثر برکت تقدیر این پیروزی عالمگیر (صلح حدیبیه)] اشتباهات گذشته تو را و نیز آنچه که ممکن است در آینده پیش آید بر تو می‌بخشد... (صفا‌زاده)

تا خدا به پاداش پاک نمودن تو مکه را از شرک، و کعبه را از بت و بت‌پرستی، ببامزد گناهان گذشته و آینده تو را [گناه خود که درخور مقام نبوت است مطابق آیه

۱۹ سوره محمد]... (یاسری)

تا خداوند گناهان گذشته و آینده تو را بیامزد (گناهی را که کفار بر تو می‌دیدند مانند هتک مقدساتشان، به اعلاهی کلمه الله بزداید، و ترک اولی‌ها را که خود گناه می‌دیدى به شمول رحمت ببخشاید) ... (مشکینی)

تا خدا از گناه گذشته و آینده تو در گذرد (مفسرین در این آیه گویند: مراد از گناه پیغمبر، گناه او بود به عقیده مشرکان که دعوت او را به توحید خدا بزرگترین گناه او می‌شمردند و مقصود از گناه گذشته و آینده دعوت قبل از هجرت و بعد از هجرت بود) ... (الهی قمشه‌ای)

ارزیابی ترجمه‌ها

از میان ترجمه‌های فوق ترجمه فولادوند و آیتی بدون توضیح تفسیری به ترجمه آیه پرداخته‌اند و ابهام صدور گناه از پیامبر (ص) را به ذهن مخاطب منتقل کرده‌اند. در ترجمه رضایی هر چند ذنب به پیامد کار معنا شده است، اما همچنان ابهام ارتکاب گناه در آن وجود دارد.

سایر ترجمه‌ها با توجه به تفاسیر موجود و روایات تفسیری شبهه موجود را رفع کرده‌اند. ترجمه کاویانپور در استغفار پیغمبر (ص) از گناه امت، هر چند تأیید تفسیری دارد؛ اما مطابق با تفسیر شایع و رایج نبوده و با سیاق سوره فتح نیز موافقت ندارد. یاسری نیز هر چند به شأن نزول آیه و ماجرای صلح حدیبیه اشاره کرده است؛ اما «ذنب» را در این آیه به «مراتب معنوی پیامبر (ص)» ترجمه کرده است؛ این ترجمه هر چند بر پایه یکی از وجوه تفسیری است، اما وجه تفسیری غالب نمی‌باشد.

صفارزاده نیز با اشاره به شأن نزول، به ترجمه آیه پرداخته است. البته در پاورقی درصدد زدودن صدور گناه از پیامبر (ص) برآمده که در این مسیر موفق نبوده است. ایشان در پاورقی چنین می‌نویسد: «مراد از تقصیرهای گذشته، مربوط به زمان قبل از بعثت است و عفو در آینده نیز شامل غفلت‌هایی در ترک اولی است و آلا پیامبری مقام عصمت و

میراً از گناه است و اساساً آخرین معنی ذنب که حکم فقهی دارد گناه است و معانی مقدم بر آن خطا و اشتباه می‌باشد، پس به رعایت شناخت مقام، در این آیه شایسته دیدم که (اشتباه) معادل ذنب قرار گیرد».

دو اشکال عمده در تبیین فوق عبارتند از:

۱- مشخص نکردن مرجع فاعل تفصیرهای گذشته و عفو در آینده، چرا که این امر از جانب مشرکان صورت گرفته است.

۲- باور به امکان صدور ترک اولی از رسول اکرم (ص)؛ امری که از نظر مفسران برجسته شیعه هم‌چون علامه طباطبایی، محال است.

مرحوم مشکینی در ترجمه خویش با وجود آن‌که ابهام نخست در ترجمه صفارزاده را برطرف کرده است؛ اما ایشان نیز ارتکاب ترک اولی به پیامبر (ص) را ممکن می‌دانند. مکارم با وجود آن‌که به وجه رایج تفسیری آیه نظر داشته است؛ اما دقیقاً مشخص نکرده که گناه دانستن کارهای پیامبر (ص) و نسبت گناه به آن حضرت از جانب مشرکان صورت گرفته است نه افرادی دیگر.

ترجمه برگزیده:

ترجمه مجتبوی و الهی‌قمشه‌ای با توجه به قراین تفسیری، ابهام موجود را برطرف کرده‌اند و صدور گناه را از ساحت رسول اکرم (ص) زدوده‌اند. هر چند مرحوم الهی‌قمشه‌ای به صورت دقیق مراد از گناه گذشته و آینده را تبیین کرده است.

۲-۳- نهی از شک و تردید

در برخی از آیات قرآن کریم ضمن اشاره به اصول مشترک میان اسلام و ادیان توحیدی پیامبر اکرم (ص) را از تردید در این امور باز می‌دارند (ر.ک: یونس / ۹۴؛ هود / ۱۷؛ سجده / ۲۳؛ انعام / ۱۱۴؛ بقره / ۱۴۶-۱۴۷). در آیاتی نیز با طرد انگیزه‌های مشرکان، پیامبر را به

هوشیاری فراخوانده تا در برابر نیرنگ آن‌ها تردیدی به دل راه ندهد (ر.ک: هود/ ۱۰۹).
در این بخش به شبهه انگیزترین آیات موجود در این زمینه اشاره می‌شود.
الف) ﴿فَلَا تُكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ (بقره/ ۱۴۷؛ یونس/ ۹۴؛ انعام/ ۱۱۴)

ارزیابی تفسیری

در نگاه مفسران این آیات، بر وقوع شک از پیامبر (ص) دلالت ندارد تا منافی عصمت باشد؛ زیرا اگر پیامبر (ص) در نبوتش تردید کند دیگران بر این شک سزاوارترند و تردید ایشان مستلزم بطلان شریعت است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۷: ۳۰۰). از این رو است که عده‌ای با آن‌که پیامبر (ص) را مخاطب آیه دانسته‌اند؛ مراد حقیقی را امت ایشان می‌دانند (طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۲۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۲۴). برخی نیز کلام را بر سبیل فرض و بر طریق تشویق و تهییج می‌دانند که زیادتی در عصمت پیامبر (ص) محسوب می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۷۰). جمعی نیز خطاب را از باب «ایاک اعنی و اسمعی یا جاره» دانسته‌اند (سبحانی، ۱۴۲۵: ۲۱۰).

ترجمه‌ها

پس نباید در شمار تردیدکنندگان باشی. (آیتی)
پس زنه‌ار از تردیدکنندگان مباش. (فولادوند)
پس ای آدمی چو دیگران در آن دو دل مباش. (عاملی)
بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان مباش! [مسئلاً او تردیدی نداشت! این درسی برای مردم بود!] (مکارم)
(چون قرآن عظیم به پیغمبر اکرم فرستاده شده به آن حضرت خطاب نموده) ... پس البته از شک آوردندگان مباش. (فیض الاسلام)
پس [در اینکه معجزه خواهی منکران و مخالفت‌های اهل کتاب از روی حقیقت‌جویی نیست] از تردیدکنندگان مباش. (انصاریان)

«در این آیه گر چه مخاطب، پیغمبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله - است ولی خطاب به جمیع خلق است». ... پس نباش تو از شک کنندگان. (یاسری)

ارزیابی ترجمه‌ها

با بررسی ترجمه‌های فوق درمی‌یابیم که ترجمه‌های آیتی و فولادوند بدون توضیح تفسیری خطاب آیه را متوجه پیامبر (ص) ساخته‌اند. آقای عاملی نیز با توجه به سبک خاص ترجمه خویش، نوع انسان‌ها را مخاطب آیه می‌داند نه پیامبر اکرم (ص)؛ در حالی که با توجه به سیاق این آیات و با مراجعه به تفاسیر چنین ترجمه‌ای ناصواب است.

سایر ترجمه‌ها به خوبی شک و تردید را از ساحت رسول اکرم (ص) مبرا دانسته‌اند. هر چند ترجمه فیض الاسلام و یاسری فراتر از ترجمه آزاد، بلکه به نوعی تفسیر بوده و از حوصله مخاطب خارج می‌باشد که به بخشی از ترجمه آن‌ها اشاره کرده‌ایم. چنین ترجمه‌ای که خسروی نیز از طرفداران آن است - چنان‌که در ارزیابی ترجمه‌ها بدان اشاره می‌شود - چند ضعف عمده دارد: اطناب ممل، عدم همسانی تأثیر متن مبدأ و متن مقصد بر خوانندگان یا عدم تعادل ترجمه، حذف و اضافه‌های فراوان، ارائه تفسیرهای ذوقی و بی‌اساس در برخی موارد و نظایر آن.

ترجمه انصاریان هر چند دارای توضیح تفسیری است و دلیل تردید را مشخص می‌کند، اما شبهه وجود شک و تردید در پیامبر (ص) را از ذهن مخاطب برطرف نمی‌کند.

ترجمه برگزیده:

ترجمه مکارم‌شیرازی با توضیح تفسیری مناسب و مختصر، به خوبی ابهام حاصل را برطرف نموده و مقصود حقیقی خداوند را به مخاطب انتقال می‌دهد.

ب) ﴿فَلَا تَكُ فِي مَوَیةٍ مِّمَّا یَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا یَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا یَعْبُدُ ءَابَاؤُهُمْ مِّن قَبْلُ وَ إِنَّا لَمُؤَفُّوهُمْ نَصِیْبَهُمْ غَیْرَ مَنقُوصٍ﴾ (هود/ ۱۰۹)

ارزیابی تفسیری

مفسران در تبیین این آیه، هم چون آیات پیشین عمل کرده‌اند و وقوع شک را از ساحت پیامبر اکرم (ص) زدوده‌اند. برخی با آن که ظاهر خطاب را متوجه پیامبر (ص) دانسته‌اند، مخاطب حقیقی را امت ایشان می‌دانند (طوسی، بی تا، ج ۶: ۷۲). گروهی نیز علت مخاطب قرار دادن پیامبر (ص) را دلداری دادن به ایشان دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۳۱).

ترجمه‌ها

پس نباش در تردیدی از آنچه می‌پرستند ... (معزی)

پس درباره آنچه آنان [مشرکان] می‌پرستند در تردید مباش ... (فولادوند)

پس درباره (بطلان) آنچه آنان می‌پرستند در شک و تردید مباش ... (مشکینی)

پس [ای پیامبر] درباره آنچه مشرکان می‌پرستند با آنها بحث و جدل نکن ... (صفازاده)

پس شک و تردیدی (در باطل بودن) معبودهایی که آنها می‌پرستند، به خود راه

مده! ... (مکارم)

پس در آنچه این جماعت کافران قومت می‌پرستند به شک مباش (و در فرجام امر

آنها و کیفر آنها ابدأ تردیدی مکن ... (خسروی)

(یا محمد) بعد از آن که قصه امم گذشته و عبادت آنها را به بتها و چگونگی نزول بلا

را به آنها ذکر کردیم دیگر تو درباره عبادت مشرکین مکه به بتها در شک نباش ... (نوبری)

(... چون قرآن کریم به پیغمبر اکرم فرستاده شده به آن حضرت خطاب کرده می‌فرماید:)

در شک و دودلی مباش از آنچه (بتهایی که) ایشان (مشرکین) می‌پرستند (که به سبب

پرستش آنها به عذاب گرفتار خواهند شد ... (فیض الاسلام)

ارزیابی ترجمه‌ها

با وجود آن که نهی از انجام عملی دلیل بر انجام نبوده و صرف هشدار مراد است، اما به

جهت مخاطبان غیر تخصصی ترجمه، ضروری است مترجمان ظرافت‌های ترجمه را اعمال

نمایند. با دقت در ترجمه‌های فوق در می‌یابیم که جز فیض الاسلام سایر مترجمان شک و

تردید را از پیامبر اکرم (ص) برطرف نکرده‌اند. هرچند برخی مانند مشکینی و مکارم با توضیح تفسیری، دلیل عدم شک را بطلان معبود مشرکان ذکر کرده که چنین تبیینی تأیید تفسیری دارد، اما به هیچ وجه در زدودن شبهه موجود در ذهن مخاطب مؤثر نیست. ترجمه معزی، فولادوند، خسروی و نویری همگی به یک روش، مخاطب شک و تردید را پیامبر اکرم (ص) دانسته‌اند. با این تفاوت که معزی به شکل تحت‌اللفظی، فولادوند به شیوه وفادار و سایرین به شیوه تفسیری و آزاد به ترجمه این آیه پرداخته‌اند.

ترجمه برگزیده:

ترجمه صفارزاده بدون آن که هم‌چون فیض‌الاسلام توضیح تفسیری ارائه دهد، با ظرافتی لغوی ابهام موجود را برطرف ساخته است. در این ترجمه «مؤیة» به بحث و جدل، معنا شده که کاملاً صحیح است و به دقت و مراجعه ایشان به کتابهای لغت اشاره دارد. چنان‌که راغب اصفهانی در معنای این واژه چنین می‌نویسد: «مؤیة» در لغت به معنای دو دل بودن و تردید داشتن در کارها است که اخص از شک است. «امتراء» و «مماراة» یعنی استدلال کردن در چیزی که دو دلی در آن هست و برای اثبات صحت یا نادرستی آن به دلیل متوسل شوند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۶۶) روشن است که بار معنایی «بحث و جدل» با «شک» یکسان نیست؛ چرا که بحث و جدل در عین این که معنای خاص شک را به همراه دارد، ذهن مخاطب را متوجه شبهه عارضی نمی‌کند. بنابراین ترجمه صفارزاده را می‌توان بهترین ترجمه به‌شمار آورد.

۲-۴- نهی از پیروی خواسته‌های اهل کتاب

در آیاتی از قرآن کریم خداوند پیامبر اکرم (ص) را از پیروی خواسته‌های اهل کتاب، برحذر می‌دارد. ظاهر چنین تعبیری این شبهه را ایجاد می‌کند که پیامبر اکرم (ص) به خواسته‌های

اهل کتاب فوق گرایش داشته است؛ از این روست که خداوند ایشان را از تمایل به آنان بازمی‌دارد. مهم‌ترین آیه در این زمینه عبارت است از:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مَهَيِّنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَاءَ ﴿مائده/ ۴۸﴾

ارزیابی تفسیری

با بررسی سیاق آیه فوق درمی‌یابیم که آیه در مقام قطع طمع اهل کتاب است؛ زیرا آن‌ها از پیامبر (ص) انتظار معجزاتی نامعقول و تبعیت از آیین و شریعتشان و قبله‌شان (بقره/ ۱۴۵) و همچنین حکم بر طبق خواسته و نظر آن‌ها را داشتند (بقره/ ۱۲۰) که به این ترتیب خداوند امید و طمع آن‌ها را به یأس تبدیل کرده است (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۲۱۲). از منظر دیگر، خطاب فوق، نشان دهنده لطف مداوم خداوند به پیامبر خویش است که هرگز او را از سر خود رها نمی‌کند و همواره او را از حمایت‌های پی‌درپی خود بهره‌مند می‌سازد و این نه تنها با عصمت پیامبر (ص) مغایرت ندارد؛ بلکه یک تقویت روحی برای اوست. چنان‌که برخی از مفسران گفته‌اند: «غرض از این نهی، تثبیت و استمرار بر دعوت به حق است.» (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۴: ۴۱۳)

برخی از مفسران نیز بر این باورند که گرچه مخاطب اصلی آیات نهی از پیروی خواسته‌های اهل کتاب، پیامبر (ص) است، ولی مخاطب اصلی امت‌اند و این‌گونه آیات از باب «ایاک اعنی و اسمعی یا جاره» هستند (طوسی، بی‌تا، ج ۶: ۲۶۱). برخی نیز معتقدند این آیات «جهت تحذیر مسلمانان و تهییج برای استواری در دینشان» می‌باشند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۵۳۴).

ترجمه‌ها

و از پی خواهش‌هاشان مرو تا آنچه را از حق بر تو نازل شده است واگذاری ... (آیتی)
و از هواهایشان [با دور شدن] از حقی که به سوی تو آمده، پیروی مکن ... (فولادوند)
از هوی و هوسهای آنان پیروی نکن! و از احکام الهی، روی مگردان! ... (مکارم)

و در اثر پیروی از خواهش‌های ایشان حکم حقی که بر تو آمده وامگذار ... (الهی قمشه‌ای) و با خواسته‌های آنان که در جهت خلافِ حَقِّی است که بر تو نازل شده، موافقت نکن ... (صفارزاده)

و از هوس‌های آنان پیروی نکن، در حالی که (منحرف شده‌ای) از آنچه که از (احکام) حق به سوی تو آمده است ... (رضایی)

و هوسهایشان را [برای انحراف] از حکم حق که سوی تو آمده، پیروی مکن ... (پاینده) و پیروی هواهای نفسانی آنان را مکن (و به آنچه آن‌ها از حکم رجم و قصاص در قتلی و معنای کتاب خدا تبدیل و تحریف نموده‌اند قضاوت مکن) و از آنچه از جانب حق برای تو آمده است برای متابعت هواهای آنان عدول منما ... (خسروی)

(برای اینکه دانسته شود حکم خدا تغییر پذیر نیست به پیغمبر اکرم که معصوم و مبرّی و آراسته از هر گناهی و مخاطب اوامر و نواهی الهی است می‌فرماید: در بیان احکام) از خواهش‌های آنان پیروی مکن (ای حکّام شرع طبق خواسته‌های مردم حکم نکنید) و از حکم حقّ و درست که (از جانب خدا) به سوی تو آمده است اعراض و دوری منما ... (فیض‌الاسلام)

ارزیابی ترجمه‌ها

از میان ترجمه‌های فوق آیتی، فولادوند، مکارم و الهی‌قمشه‌ای همگی به یک شکل آیه را ترجمه کرده‌اند، هر چند با الفاظی متفاوت مفهوم آیه را منتقل کرده‌اند. ترجمه صفارزاده از لحاظ مفهومی مانند چهار مترجم نخست بوده اما نحوه نگارش ایشان ساختار ظاهری آیه را برهم زده است. رضایی عبارت ﴿عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ﴾ را به صورت حالیه ترجمه کرده و این امر ابهام موجود را بیشتر کرده است.

خسروی بدون رفع ابهام، تنها موضوع آیه را با تفصیل بیان کرده است. چنان‌که در تفاسیر آمده است: «اهل کتاب نسخ احکام را محال می‌پنداشتند و انتظار داشتند که رسول

خدا (ص) پیرو احکام دینی آنها باشد؛ لذا خداوند خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید که اگر از آنها تبعیت کنی و به پاره‌ای از احکام منسوخه و یا تحریف شده ایشان تمایل کنی تو را عقوبت خواهیم کرد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱: ۳۷۳)

فیض الاسلام ابهام موجود را برطرف ساخته است. در ترجمه ایشان به مقام عصمت پیامبر (ص) اشاره شده است و خطاب را به حاکمان شرع قابل تطبیق دانسته است. توضیح تفسیری ایشان یعنی عبارت «در بیان احکام» به موضوع آیه اشاره دارد.

آقای پاینده، به شکل وفادار ظاهر آیه را منتقل کرده است. با این تفاوت که عبارت ﴿عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ﴾ را توضیح هواها و هوسهای آنان گرفته نه خطاب خداوند به پیامبر اکرم (ص). به این معنی که خواسته آنان انحراف پیامبر (ص) از حق بود نه این که خود پیامبر از حق رویگردان و منحرف شده است.

ترجمه برگزیده:

در معرفی صحیح‌ترین ترجمه باید به این نکته توجه داشت که آیه فوق دو ابهام دارد: یکی پیروی پیامبر (ص) از هواهای آنها و دیگری رویگردانی رسول خدا (ص) از حق. این در حالی است که ابهام دوم بیشتر به عصمت پیغمبر (ص) خدشه وارد می‌کند. البته توجه به این نکته لازم است که ابهام دوم می‌تواند نتیجه ابهام نخست باشد. به گونه‌ای که پیامبر (ص) با پیروی از هواهای آنان از حق اعراض کرده است. (ابهام دوم عام است، به عبارتی، عوامل زیادی می‌تواند سبب رویگردانی پیامبر (ص) از حق شود که یکی از همین عوامل، پیروی ایشان از هواهای اهل کتاب است.)

ترجمه فیض‌الاسلام ابهام نخست را به کلی برطرف کرده است، اما ابهام دوم همچنان با برجاست. ترجمه پاینده با ظرافت خاص، عبارت اعراض از حق را به خواسته‌های آنان بازگردانده و با این کار ابهام دوم را برطرف ساخته است.

۲-۵- تذکر بر تقدّم ترس از خدا بر ترس از مردم

از جمله آیات دال بر خطاب عتاب‌گونه به پیامبر اکرم (ص)، آیه ۳۷ سوره احزاب است. این آیه در حقیقت گزارش‌گر یکی از سنت‌های جاهلی در زمان مسلمانان است و از هراس پیامبر (ص) از مردم در این زمینه پرده برمی‌دارد. پروردگار با نزول آیه فوق پیامبر خویش را سرزنش کرده و ترس از خداوند را بر ترس از مردم سفارش می‌کند. در این بخش به ارزیابی تفسیری و بررسی ترجمه آیه خواهیم پرداخت.

﴿وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَعْمُولًا﴾ (احزاب / ۳۷)

ارزیابی تفسیری

به گفته اکثر مفسران و مورخان، این آیه مربوط به زیدبن حارثه است. او برده‌ای بود که پیامبر اکرم (ص) آزادش نمود و فرزند خوانده خویش قرار داد و زینب، دختر عمه خود را به همسری زید درآورد. پس از ازدواج، ناسازگاری میان آن‌ها آغاز شد و زید تصمیم گرفت زینب را طلاق دهد. پیامبر اکرم (ص) به امر خداوند مأمور شد به وسیله ازدواج با زینب، سنت نادرست جاهلی را که مطابق آن ازدواج با همسر پسر خوانده هم‌چون ازدواج با همسر فرزند بود، از بین ببرد (معرفت، ۱۳۷۴: ۲۲۰).

با وجود شأن نزول فوق می‌توان به دلیل هراس پیامبر (ص) از مردم به جای ترس از خداوند پی‌برد؛ چرا که حضرت بابت جان خویش نمی‌ترسید، بلکه هراس وی راجع به خدا و مربوط به دین او بود. علت ترس حضرت نیز دو چیز بود: نخست آن‌که مردم به خاطر ازدواج ایشان با همسر پسرخوانده‌اش طعن بزنند و حضرت را سرزنش کنند؛ چون تا آن موقع در جزیره العرب چنین امری مرسوم نبود. دیگر آن‌که ایمان عوام مردم سست شود و به دین بدبین شوند که چرا پیامبر (ص) این کار را انجام داد؟ بنابراین

جمله ﴿وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ﴾ که ظاهرش نوعی عتاب است در حقیقت و برخلاف ظاهرش عتاب از یک نوع ترس از خداست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۳۲۳).

ترجمه‌ها

و آنچه را که خدا آشکارکننده آن بود، در دل خود پنهان می‌کردی و از مردم می‌ترسیدی، با آنکه خدا سزاوارتر بود که از او بترسی ... (فولادوند)

و در دل چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می‌کند و از مردم می‌ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی! ... (و سنت غلط تحریم این زنان باید شکسته شود). (مکارم)

و آنچه در دل پنهان می‌داشتی (که زینب را بگیری و حرمت ازدواج با زن پسر خوانده را که در جاهلیت بود منسوخ کنی) خدا می‌خواست آشکار سازد و تو از (مخالفت و سرزنش) خلق می‌ترسیدی و از خدا سزاوارتر بود بترسی ... (الهی قمشه‌ای) و تو آنچه را که خداوند (در آینده) آشکار سازنده آن بود (مأمور شدنت به ازدواج با مطلقه وی) در دل خود پنهان می‌داشتی و از مردم می‌ترسیدی (که بگویند با همسر پسرخوانده‌اش ازدواج نموده) در حالی که خداوند سزاوارتر بود که از او بترسی ... (مشکینی)

و تو در باطن خود چیزی را [چون فرمان خدا به ازدواج با مطلقه او] پنهان می‌داشتی که خدا آشکار کننده آن بود [تا برای مردم در ازدواج مطلقه پسرخوانده‌هایشان ممنوعیت و مشکلی نباشد] و [برای بیان فرمان خدا نسبت به مشروعیت ازدواج مطلقه پسر خوانده] از مردم می‌ترسیدی و در حالی که خدا سزاوارتر بود که از او بترسی ... (انصاریان) و (ای محمد صلی الله علیه و آله یاد کن آن را که) در خود پنهان می‌داشتی آنچه را خدا آشکار کننده آن است (و آن تزویج نمودن آن حضرت است زینب را، که خدای تعالی او را از راه وحی از آن کارآگاه ساخته بود) و از مردم می‌ترسی (شرم می‌کنی که

تزییح زینب را برای خود آشکار سازی، مردم تو را سرزنش کنند به اینکه محمد صلی الله علیه و آله زن پسر خوانده خود را خواسته (در حالی که خدا سزاوارتر است به آنکه از او بترسی ... (فیض الاسلام)

ارزیابی ترجمه‌ها

از میان ترجمه‌های فوق، فولادوند بدون رفع شبهه مطرح شده به ترجمه آیه پرداخته است. در توضیح تفسیری مکارم و انصاریان تنها به موضوع آیه اشاره شده است و ابهام موجود هم‌چنان باقی است.

ترجمه برگزیده:

در ترجمه الهی‌قمشه‌ای، مشکینی و فیض‌الاسلام افزون بر اشاره به شأن نزول آیه و موضوع آن، شبهه موجود نیز رفع شده است. هر چند در این میان آقای فیض‌الاسلام دلیل شرم پیامبر (ص) را با این عبارت «زن پسر خوانده خود را خواسته» زیاتر مطرح کرده است، چرا که در این بیان فراتر از ازدواج با زن مطلقه پسر خوانده، تهمت چشم داشت پیامبر (ص) به او نیز مطرح شده است.

۲-۶- تاکید بر حفظ الهی

یکی از بحث برانگیزترین آیات قرآن در زمینه عصمت پیامبر (ص)، آیات ۷۳ تا ۷۵ سوره اسراء است. این آیات در نگاه برخی منکران عصمت پیامبران، مهم‌ترین دلیل صدور گناه از پیامبر اکرم (ص) است. در مقابل، از نظر بیشتر محققان، آیات فوق بهترین دلیل عصمت پیامبر (ص) محسوب می‌شود. در این بخش ضمن بررسی تفسیری آیات فوق، تنها به ارزیابی ترجمه آیه ۷۴ که به آیه تثبیت مشهور است می‌پردازیم.

﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوتِيتَ وَإِلَيْكَ لَتَقْتَرِي عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ حَلِيلًا* وَ لَوْلَا أَنْ تَبْتَئَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تُوَكَّنْ إِلَيْهِمْ شَيْنًا قَلِيلًا* إِذَا لَادَفْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَ ضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا﴾ (اسراء/ ۷۳-۷۵)

ارزیابی تفسیری

چنان‌که برخی از مفسران گزارش کرده‌اند جمعی از مخالفان عصمت پیامبر (ص) آیات فوق را از سه جهت تأییدی بر صدور گناه از حضرت می‌دانند: نخست آن‌که پیامبر (ص) نزدیک بود که به خداوند افترا ببندد. دوم آن‌که اگر خداوند ایشان را حفظ نمی‌کرد، وی به آیین مشرکان روی می‌آورد. سوم آن‌که آیه گویای آن است که پیش‌تر گناهی از پیامبر (ص) صادر شده، و گرنه به این تهدید شدید نیازی نبود (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱: ۳۷۹-۳۸۰).

غالب مفسران و محققان برآنند که آیات فوق نه تنها مغایر با مسئله عصمت نیست؛ بلکه قرینه‌ای محکم بر معصوم بودن پیامبر (ص) است. شاخص‌ترین پاسخ این گروه بر مخالفان عصمت حضرت عبارتند از:

۱- ضمیر در دو فعل ﴿كَادُوا لَيُفْتِنُوكَ﴾ به مشرکان بر می‌گردد و در آن سخنی از نزدیک شدن پیامبر (ص) به رأی و نظر آنان به میان نیامده است. از این‌رو، مفاد آیه این است که مشرکان نزدیک شدند که او را بفریبند (سبحانی، ۱۴۲۵: ۲۰۴-۲۰۸).

۲- لولا در ﴿لَوْلَا أَنْ تَبْتَئَاكَ﴾ امتناعیه است و دلالت بر امتناع جزا شرط و محال بودن مقدمه شرط دارد؛ مانند عبارت «لولا علی لهلك عمر» پس وجود حضرت علی (ع) هلاکت عمر را منع می‌کند (معرفت، ۱۳۷۴: ۲۰۶).

۳- «رکون» به معنی میل نیست بلکه آن نزدیکی از میل و انصراف است؛ همچنان‌که دلالت می‌کند بر ﴿لَقَدْ كَذَّبْتَ تَوَكَّنْ﴾ و آیه از نزدیکی به میل منع می‌کند و این فضلی از سوی خدا برای رسیدن به تثبیت است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳: ۱۷۳).

ترجمه‌ها

و اگر تو را استوار نمی‌داشتیم، قطعاً نزدیک بود کمی به سوی آنان متمایل شوی. (فولادوند)

و اگر نگهداری نمی‌کردیم تو را به مدد غیب خود، نزدیک بود کمی میل کنی به سوی ایشان. (یاسری)

و اگر ثابت نکرده بودیم تو را (به عصمت خود) قطعاً میل می‌کردی به سوی ایشان
میل کردنی اندک. (سراج)
و اگر ما تو را ثابت قدم نمی‌گردانیدیم نزدیک بود که به آن مشرکان اندک تمایل و
اعتمادی پیدا کنی. (الهی‌قمشه‌ای)
و اگر ما تو را ثابت قدم نمی‌ساختیم (و در پرتو مقام عصمت، مصون از انحراف
نبودی)، نزدیک بود به آنان تمایل کنی. (مکارم)
و اگر تو را (به نور ایمان) ثابت و پابرجا نگردانیده بودیم محققاً نزدیک بود که به
سوی ایشان میل کنی و بر گردی میل کردن اندک (از آنان فریب خوری). (فیض‌الاسلام)
و اگر ما تو را پایدار نکرده بودیم (و قلب تو را بر حق و رشد به وسیله نبوت و
عصمت و معجزات و الطاف خفیه ثابت نمی‌ساختیم) محققاً نزدیک بود اندکی مایل
شوی و به طرف آن‌ها کمی رکون و سکون پیدا کنی. (خسروی)

ارزیابی ترجمه‌ها

با بررسی ترجمه‌های فوق درمی‌یابیم ترجمه فولادوند و ال‌هی‌قمشه‌ای این ابهام را در
ذهن خواننده ایجاد می‌کند که پیامبر (ص) قصد تمایل به مشرکان را داشته است. سایر
ترجمه‌ها با اشاره به مقام عصمت در رفع شبهه موجود موفق بوده‌اند، هر چند الفاظ
آن‌ها متفاوت می‌باشد. چنان‌که در ترجمه آقای یاسری لفظ «به مدد غیب» با وجود
آن‌که با لفظ عصمت برابر نیست؛ اما معنایی نزدیک به آن را به ذهن متبادر می‌کند.
در ترجمه سراج و مکارم ثابت قدم بودن پیامبر (ص) به واسطه «عصمت» مطرح شده
است. چنین ترجمه‌ای کاملاً مطابق با مؤید تفسیری است و ابهام موجود را برطرف
می‌سازد. با وجود این سراج لفظ «نزدیکی» را برای عبارت «لَقَدْ كَذَّبْتَ تَوَكَّنْ» به کار نبرده
که این اشتباهی فاحش در ترجمه آیه است؛ چنان‌که در ارزیابی تفسیری به آن اشاره

کردیم. خسروی نیز در ترجمه خویش به تمام ابعاد عصمت توجه کرده است و با الفاظ گوناگون ذهن مخاطب را از شبهه موجود دور ساخته است.

ترجمه برگزیده:

فیض الاسلام ثابت و پابرجا بودن رسول اکرم (ص) را «به نور ایمان» ترجمه کرده است. این ترجمه به یکی از ابعاد دقیق عصمت یعنی «بعد اختیاری عصمت پیامبر (ص)» اشاره دارد. یعنی پیامبر (ص) با اختیار خویش و به واسطه مجاهده و ایمان درونی، خویش را در مقابل مشرکان و سوداگری‌های آن‌ها حفظ می‌کند و خداوند نیز به جهت چنین شایستگی، پیامبر (ص) را محافظت می‌نماید؛ هر چند روشن است در این ترجمه ابعاد فنی و تعادل ترجمه به خوبی رعایت نشده است.

۲-۷- عتاب بر تحریم حلال الهی

از دیگر آیات عتاب‌گونه قرآن که با لحن سؤالی، پیامبر اکرم (ص) را به جهت عملی انجام شده مورد بازخواست قرار می‌دهد؛ آیه نخست سوره تحریم است. از ظاهر این آیه استفاده می‌شود که پیامبر (ص) به خاطر رضایت زنانش امر حلالی را بر خود حرام کرده بود. از این رو است که برخی از مغرضان، آیه را تأییدی بر دخالت حضرت در تشریح - حرام کردن حلال الهی - می‌دانند. در این بخش به صورت مفصل به ارزیابی تفسیری و ترجمه آیه می‌پردازیم.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَوْضِعًا أَرْوَاحِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (تحریم / ۱)

ارزیابی تفسیری

روایات مختلفی در سبب نزول آیه ذکر شده است که مطابق برخی از آن‌ها پیامبر (ص) یکی از همسرانش - ماریه - را بر خود حرام کرد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸: ۱۰۱). از برخی روایات دیگر برمی‌آید که حضرت خوردن عسل را بر خود حرام کرد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۶۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۴۷۲).

مفسران با آن‌که مخاطب حقیقی آیه را پیامبر اکرم (ص) می‌دانند؛ در پذیرش یا رد دخالت ایشان در تشریح که سبب ارتکاب گناه می‌گردد، اختلاف نظر دارند. چنان‌که برخی تحریم را گناه صغیره دانسته‌اند که آمرزیده شده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۶۲). گروهی نیز عتاب الهی را به دلیل ترک اولایی می‌دانند که از پیامبر (ص) سر زده است؛ چرا که ترک تحریم بهتر از انجام دادن آن بوده است (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۴۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴: ۳۴۳). جمعی نیز با رد صدور هر گناهی از ساحت پیامبر (ص)، تحریم ایشان را امری مباح دانسته‌اند که خداوند از سر دلسوزی حضرت را مخاطب قرار داده است (سیدمرتضی، بی‌تا: ۱۲۰-۱۲۱). علامه طباطبایی نیز با زدودن گناه از پیامبر (ص) عبارت «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ» را تأییدی بر این امر دانسته که مسأله مورد عتاب، شخصی بوده نه جزء رسالت‌های حضرت برای مردم. از نظر ایشان، عتاب موجود در آیه متوجه زنان پیامبر است نه خود ایشان و جمله «إِنْ تَوْبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمْ»: اگر شما دو زن توبه کنید بهتر است، زیرا دلهایتان از حق برگشته است... (تحریم/ ۴) و «وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» این معنا را تأیید می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹: ۳۳۰).

ترجمه‌ها

ای پیامبر، چرا برای خشنودی همسرانت، آنچه را خدا برای تو حلال گردانیده حرام می‌کنی؟ ... (فولادوند)

ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده به خاطر جلب رضایت همسرانت بر خود حرام می‌کنی؟! ... (مکارم)

ای پیامبر! چرا چیزی [مثل غسل] را که خداوند بر تو حلال فرموده به ملاحظه خوشایند همسرانت بر خود حرام می‌کنی؟ [و البته چون توطئه‌ای در کار بود] خداوند بر تو می‌بخشد ... (صفارزاده)

ای پیامبر، چرا آنچه را که خداوند بر تو حلال کرده (از خوردن غسل و تماس با همسر، به وسیله سوگند بر خود) حرام می‌کنی در حالی که (در این ترک اولی) رضایت همسرانت را می‌جویی؟! ... (مشکینی)

ای پیغمبر چرا آنچه را (ماریه) که خدا بر تو حلال کرده است بر خود حرام کرده از خلوت با او امتناع می‌کنی، رضای سایر زنان را ملاحظه کرده از ماریه اعراض می‌نمایی چنین امر سزاوار تو نیست نباید از تو صادر شود ... (نوبری)

ضمن اشاره به شأن نزول آیه: ای پیغمبر عظیم القدر و بلند مرتبه ... چرا (بر خود به سبب سوگند یاد نمودن) حرام کرده و منع نموده‌ای آنچه (همبستر شدن با زنانی) را که خدا برای تو حلال و روا گردانیده در حالی که (به سبب حرام کردن حلال را بر خویش) خشنودی زنان را می‌خواهی به دست آوری (با اینکه بر ایشان واجب است خشنودی تو را به دست آورند) ... (فیض الاسلام)

ای پیغمبر گرامی برای چه آن را که خدا بر تو حلال فرمود تو بر خود حرام می‌کنی تا زنان را از خود خشنود سازی؟ ... (در ادامه به شأن نزول اشاره می‌کند). (الهی قمشه‌ای)

ارزیابی ترجمه‌ها

از میان ترجمه‌های فوق، فولادوند و مکارم بدون آن که به فضای آیه اشاره کنند به ترجمه آیه پرداخته‌اند. این ترجمه‌ها ابهام را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که پیامبر (ص) در تشریح - حرام کردن حلال الهی - تصرف می‌کرده است.

با بررسی سایر ترجمه‌ها - جز ترجمه مرحوم مشکینی - در می‌یابیم که در آن‌ها هر چند به شأن نزول آیه به صورت مختصر یا مفصل اشاره شده است، اما هیچ‌یک شبهه تصرف رسول خدا (ص) در تشریح را برطرف نکرده‌اند. چنان که در ترجمه صفارزاده هرچند به شأن نزول آیه اشاره شده است، اما علاوه بر ابهام دخالت پیامبر (ص) در حلال الهی، توضیح تفسیری ایشان این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که پیامبر اکرم (ص) مرتکب گناه شده است.

نوبری نیز به شیوه آزاد به ترجمه آیه پرداخته است. اما همچنان شبهه موجود در ترجمه ایشان احساس می‌شود. فیض‌الاسلام و الهی‌قمشه‌ای با توضیح تفسیری مفصل به شأن نزول آیه پرداخته‌اند، اما در ترجمه هر دو ابهام موجود برطرف نشده است.

ترجمه برگزیده:

در ترجمه مرحوم مشکینی ضمن اشاره مختصر به شأن نزول آیه، با عبارت «به- وسیله سوگند بر خود» شبهه تصرف نبی اکرم (ص) در تشریح را به خوبی برطرف نموده است. چنین عبارتی بیانگر این مطلب است که تحریم در حیطه مسائل شخصی حضرت بوده، نه جزء رسالت‌های او برای مردم. تنها نکته مورد نقد در ترجمه مشکینی، ارتکاب ترک اولی از رسول اکرم (ص) است که چنین گفتاری از جانب برخی از متکلمان شیعه رد شده است.

۳- نتیجه‌گیری

پس از ارزیابی مهم‌ترین ترجمه‌های قرآن کریم پیرامون آیات به ظاهر عتاب‌آمیز خداوند به پیامبر اکرم (ص) درمی‌یابیم ترجمه‌های تحت‌اللفظی (مانند ترجمه معزی) و وفادار (مانند ترجمه آیتی و فولادوند) با وجود حجم مناسب و ساختار دقیق و منطبق با آیه‌ها، در تبیین چنین آیاتی علاوه بر آن‌که وافی به مقصود نبوده، ذهن مخاطب غیر تخصصی خود را نسبت به عصمت پیامبر (ص) دچار شک و شبهه می‌کند. در مقابل، ترجمه‌های تفسیری (هم‌چون ترجمه الهی‌قمشه‌ای، مکارم‌شیرازی و مشکینی) و آزاد (مانند ترجمه فیض‌الاسلام، خسروی و صفارزاده) با وجود حجم طولانی و شکستن ساختار آیات در بسیاری از موارد، شک و شبهه درباره عصمت رسول اکرم (ص) را برطرف کرده، اطلاعات جانبی مانند: شأن نزول، موضوع آیات، مبانی کلامی و ... را ارائه می‌دهند. به‌طورکلی ترجمه چنین آیاتی به دلایل مختلفی دشوار است، از جمله: اختلاف وجوه تفسیری، عدم

بیان وجه تفسیری برخی از آیات، معادل نداشتن برخی از واژگان، رعایت ساختارهای زبانی و نگارشی، امانت‌داری در مراد الهی و ...

لازم به ذکر است مهم‌ترین انواع خطاب‌های عتاب‌گونه خداوند به پیامبر (ص) عبارتند از: نهی از شرک، امر به طلب بخشش از خداوند، نهی از شک، نهی از پیروی خواسته‌های اهل کتاب، تذکر بر تقدّم ترس از خدا بر ترس از مردم، تأکید بر حفظ الهی و عتاب بر تحریم حلال الهی.

این خطاب‌ها که بیشتر در غالب جمله‌های نهی و شرط آمده است، دلالتی بر ارتکاب آن عمل ندارد. چرا که نهی پیش از انجام آن عمل موثر است نه پس از آن. جمله‌های شرطی نیز نوعی هشدار تلقی می‌شوند نه عتاب؛ زیرا تحقق آن مشروط بوده و قطعی نیست. سایر خطاب‌ها نیز بر اساس قاعده «ایاک اعنی و اسمعی یا جاره» بر امت اسلامی قابل تطبیق است. بنابراین بر مترجم قرآن کریم لازم است با عنایت به چنین قراینی، خطاب‌های به ظاهر عتاب‌آمیز را از ساحت رسول اکرم (ص) دور سازد.

۴- منابع

*قرآن کریم.

- ۱- آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۱۵ق).
- ۲- ابن‌ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد، شرح نهج البلاغة، بیروت: داراحیاء الکتب العربیة، (۱۳۸۳ق).
- ۳- ابن‌نعمان، محمد بن محمد (شیخ مفید)، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، به اهتمام دکتر مهدی محقق، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل (دانشگاه تهران)، (۱۳۷۱ش).
- ۴- براتی، زینب، «خطاب‌های الهی به پیامبر (ص) در نهی از شک»، فصلنامه بینات، شماره ۷۱، (۱۳۹۰ش).
- ۵- تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح المقاصد فی علم الکلام، قم: منشورات الشریف الرضی، (۱۴۰۹ق).
- ۶- ثقفی‌تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، چاپ سوم، تهران: انتشارات برهان، (۱۳۹۸ق).

- ۷- جواهری، محمدحسین، درس‌نامه ترجمه (اصول، مبانی و فرآیند ترجمه قرآن)، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، (۱۳۸۹ش).
- ۸- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دار العلم، (۱۴۱۲ق).
- ۹- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض القرآن، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی، (۱۴۰۷ق).
- ۱۰- سبحانی، جعفر، عصمة الانبیاء فی القرآن الکریم، چاپ سوم، قم: موسسه امام صادق (ع)، (۱۴۲۵ق).
- ۱۱- سبحانی، جعفر، مفاهیم القرآن، قم: موسسه الشهداء العلمیه، (۱۴۰۷ق).
- ۱۲- شریفی‌اصفهانی، مهین، «جستاری در خطاب‌های عتاب‌آمیز خداوند به پیامبر (ص)»، فصلنامه مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۲، (۱۳۸۱ش).
- ۱۳- شریفی‌اصفهانی، مهین، «پژوهشی در خطاب‌های خداوند به پیامبر در قرآن»، فصلنامه بینات، شماره ۵۹، (۱۳۸۷ش).
- ۱۴- طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (۱۴۱۷ق).
- ۱۵- طبرسی، فضل‌بن‌حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصرخسرو، (۱۳۷۲ش).
- ۱۶- طبری، ابوجعفر محمدبن‌جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دار المعرفه، (۱۴۱۲ق).
- ۱۷- طوسی، محمدبن‌حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- ۱۸- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمدبن‌عمر، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).
- ۱۹- کلینی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، (۱۴۰۷ق).
- ۲۰- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (۱۴۰۳ق).

- ۲۱- معرفت، محمدهادی، تنزیه الانبیاء، قم: نشر بلوغ، (۱۳۷۴ش).
- ۲۲- مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الاسلامیه، (۱۴۲۴ق).
- ۲۳- موسوی، ابوالقاسم علی بن حسین (سیدمرتضی)، تنزیه الانبیاء، قم: منشورات الشریف الرضی، بی تا.
- ۲۴- همدانی، القاضی عبدالجبار بن احمد، شرح الاصول الخمسة، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۲ق).
- ۲۵- یوسفیان، حسن و شریفی، احمدحسین، پژوهشی در عصمت معصومان (ع)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، (۱۳۷۷ش).

نرم افزار

- ۲۶- جامع التفاسیر نور.

